

این رمال هزار چهره به بهانه مهره شانس برای زنان نقشه شیطانی داشت!



پلیس منتظر ایستاد، ناگهان راننده پژو ۴۰۵ در آن سوی خیابان شهید نظام دوست ۱۲ وارد کمین نیروهای انتظامی شد و زن جوان در حالی که النگوها را در دست داشت داخل خودروی وی نشست در این هنگام بود که نیروهای انتظامی از چهار جهت در کنار خودروی پژو قرار گرفتند و رمال جوان را قبل از آن که فرصتی برای فرار بیابد به محاصره درآوردند. در بازرسی از داخل خودرو مبلغ زیادی وجه نقد به همراه آذیر پلیس و اسلحه کلت کمربندی کشف شد که حکایت از تبهکاری های دیگر این رمال حيله گر داشت. با انتقال وی به مقر انتظامی، تحقیقات آغاز و مشخص شد که خودروی وی احکام توقیف از پلیس آگاهی یزد را دارد اما ابعاد دیگر تبهکاری های وی هنگامی فاش شد که نام جعلی «ابوسیف» لو رفت، واکاوی های پلیس نشان داد این جوان ۳۰ ساله که «محمد-ک» نام دارد و به «ابوسیف» در فضای مجازی معروف است طعمه های زیادی را از شهرهای دیگر کشور به دام انداخته است.

متهم در یک ساعت به ۲ قتل اعتراف کرد

گروه حوادث - پسر جوان وقتی در یک بزم شبانه ناخواسته به قتل اعتراف کرده بود بعد از دستگیری راز جنایتی دیگر را نیز برملا کرد. دی ماه ۱۴۰۰ مرگ پسر جوانی در یکی از بیمارستان های پایتخت به باز پرس کشیک قتل اعلام شد. به دنبال اعلام این خبر تحقیقات آغاز شد و بررسی های اولیه حکایت از آن داشت که پسر جوان در یک درگیری خیابانی زخمی شده و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است. در ادامه تحقیقات دوست مقتول گفت: با دوستانتان در حال عبور از مقابل پارکی در یکی از خیابان های جنوب تهران بودم که متهم همراه دختر جوانی و چند نفر دیگر در حال قلیان کشیدن و مصرف مشروب بودند. بهم درگیری لفظی پیدا کردیم و یکی از پسر ها دوستم را با چاقو زد و فرار کرد. در حالی که تحقیقات برای شناسایی عامل قتل ادامه داشت با گذشت حدود ۱۰ ماه از این جنایت روز ۱۲ آبان ۱۴۰۱ درگیری مرگباری در گردنه قوچک به باز پرس محمد مهدی براعه اعلام شد. با گزارش این جنایت، تحقیقات به دستور باز پرس جنایی آغاز و در بررسی های اولیه مشخص شد، پسر جوانی به نام امین با ضربه چاقو به قتل رسیده است. یکی از شاهدان جنایت در تحقیقات گفت: دو مرد و دو زن را دیدم که بر سر متلک پرانی بهم درگیر شده بودند و یکی از پسر ها با چاقو دیگری را زد و فرار کرد. در بازبینی دوربین های مدار بسته اطراف محل حادثه تصویر متهم به دست آمد و مشخص شد وی از سارقان سابقه دار است. در حالی که تحقیقات پلیسی برای دستگیری متهم ادامه داشت، مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و مدعی شد: شب گذشته در یک بزم شبانه بودم. پسری با یکی از میهمانان درگیر شد و در عالم مستی گفت من قبلاً آدم کشتم، کاری نکن تو را هم بکشم. بدین ترتیب کار آگاهان پس از هماهنگی های قضایی وارد عمل شده و پسر جوان را در مخفیگاهش بازداشت کردند و مشخص شد وی همان متهم به قتل فراری است. **افشای راز دومین جنایت** متهم وقتی مقابل افسر پرونده اش قرار گرفت به قتل پسر جوان در گردنه قوچک اعتراف کرد. اما هنوز ساعتی از اعترافش به قتل نگذشته بود که خواهان دیدار دوباره با باز پرس پرونده اش شد. اوزمانی که مقابل باز پرس جنایی قرار گرفت، راز جنایتی دیگر را که دی ماه ۱۴۰۰ مرتکب شده بود افشا کرد. بدین ترتیب به دستور باز پرس شعبه سوم تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. **گفت و گو با متهم** چه شد که دست به ۲ قتل زد؟

گروه حوادث - تبهکار مخوفی که با فریب زنان و دختران جوان در فضای مجازی زندگی آنان را با «مهره شانس» به نابودی می کشاند در حالی با تلاش نیروهای کلاتری شغای مشهد دستگیر شد که در بررسی های پلیس زوایای عجیبی از تبهکاری های وی لو رفت. از مدتی قبل زمزمه های «مهره شانس» در فضای مجازی، نیروهای اطلاعات و امنیت کلاتری شغای مشهد را به تکاپو انداخت. آن ها که با رصد های شبانه روزی در شبکه های اجتماعی به سرخ های از یک رمال هزار چهره و مکار رسیده بودند، در حالی ماجرا را به صورت محرمانه به رئیس پلیس مشهد گزارش دادند که رد زنی جرایم مهمه در فضای مجازی با تکیه و تدابیر ابلاغی از سوی سردار سر تپ محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) در اولویت رصد های اطلاعاتی پلیس قرار گرفته بود. طولی نکشید که با دستور سرهنگ احمد نگیان (فرمانده انتظامی مشهد) گروهی از افسران کارآزموده تجسس و اطلاعات برای شناسایی تبهکار مخوف وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را زیر نظر مستقیم سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلاتری شغای مشهد) آغاز کردند. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که جوان ۳۰ ساله معروف به «ابوسیف» از طریق ایستایگرام زنان و دختران جوان را با رفتن «مهره شانس» اربیب می دهد.

رویاپردازی زندگی ام را ویران کرد!

گروه حوادث - به خاطر بلندپروازی های همسر، شاگردی در مغازه پدرم را رها کردم و جذب شرکت های هرمی شدم تا یک شبه ره صد ساله را بروم و پولدار شوم! اما فهمیدم که در مسیر تبهایی قرار گرفته ام و بدین ترتیب در حالی همه سرمایه ام را از دست دادم که اکنون ... جوان ۲۹ ساله ای که به دنبال احضار یه طلاق همسرش به مرکز انتظامی آمده بود درباره این ماجرا تا سببار به مشاور مددکار اجتماعی کلاتری آبکوه مشهد گفت: هنوز دوران خدمت سربازی ام تمام نشده بود که زمزمه های از دواجم در خانه پیچید اما من همه چیز را به مادرم سپردم تا بر ایام همسری انتخاب کند چرا که قصد داشتم عاشقی واقعی را بعد از ازدواج تجربه کنم. طولی نکشید که مادرم دختری از طبقه خودمان را پیشنهاد کرد که از یک خانواده اصیل بودند. من هم وقتی او را دیدم مهرش به دلم نشست و این گونه با «مهرانه» ازدواج کردم. اگر چه او ایل زندگی بی دغدغه ای داشتم اما نمی دانستم با بلندپروازی های همسرم چگونه بر خورد کنم! او دختری نوجوان بود و دوست داشت از هر نوع امکانات رفاهی بر خوردار باشد. آن قدر روی اعصابم راه رفت که مجبور شدم شاگردی در مغازه پدرم را رها کنم و برای به دست آوردن پول های باد آورده به شرکت های هرمی روی آورم! اما هنوز یک سال از این ماجرا نگذشته بود که فهمیدم در مسیر تبهایی قرار گرفته ام ولی دیگر دیر شده بود. همان سرمایه اندکم را هم از دست دادم و با گوهی از مشکلات و بدهکاری تنها ماندم به طوری که حتی نمی توانستم اجاره خانه ام را بپردازم. دلم به حال دختر ۳۰ ساله ام می سوخت ولی کاری از دستم بر نمی آمد. در این شرایط نزد پدرم باز گشتم و با عذر خواهی و شرمندگی به او گفتم که صاحبخانه از من خواسته است تا منزلش را تخلیه کنم! پدرم مثل همیشه مرا بخشید و باز هم در آغوش پر مهرش جا گرفت. چند روز بعد به یکی از طبقات منزل پدرم اسباب کشی کردیم ولی «مهرانه» راضی نبود در خانه پدرم زندگی کنیم. به همین دلیل او به همراه دختر خردسال به خانه پدرش رفت و من هم در منزل پدرم ماندم تا شغل مناسبی پیدا کنم. حدود یک ماه بعد «مهرانه» با من تماس گرفت و گفت: شغلی در یک شرکت خصوصی برای خودش پیدا کرده است و برای آن که زودتر به زندگی مشترک کمان باز گردیم، تلاش می کند بالاخره با یاد از صفر شروع می کردیم به این خاطر من هم دوباره به مغازه پدرم باز گشتم. مدتی بعد «مهرانه» مدعی شد که صاحبکارش ۳۰۰ میلیون تومان وام بانکی برایش می گیرد و من باید ضمانت کنم! من هم اگر چه خیلی تعجب کرده بودم اما با

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

<h3>مفقودی</h3>	<h3>خدمات</h3>	<h3>لوازم یدکی</h3>	<h3>استخدام</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۶۳۲۳/۰۱ به نام فرناز کاشانی جاوید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸</p>	<p>استخدام فروشنده جهت غرفه در ترمینال فرودگاه کیش تلفن تماس: ۰۹۳۳۷۶۹۵۱۹۳</p>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۸۹۷۸/۰۱ به نام فاطمه رازقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<h3>خیاطی</h3>	<p>جعفری ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸</p>	<p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<p>اصل سند خودروی سواری هیوندای سوناتا رنگ سفید به شماره پلاک ۲۲-۳۲۵۴۸ شماره موتور ۳۹۸۷۸۹ شماره شاسی ۱۳۰۷۵۹ به نام پروین جلالی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>خیاطی حیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸</p>	<h3>خشکشویی</h3>	<p>استخدام نیروی خدماتی یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.</p>
<h3>مفقودی</h3>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۸۵۰۹/۰۱ به نام سلمان مقیمی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<h3>درب اتوماتیک</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۸۵۰۹/۰۱ به نام سلمان مقیمی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۸۵۰۹/۰۱ به نام سلمان مقیمی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۳۸۵۰۹/۰۱ به نام سلمان مقیمی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>

صنایع چوب **حلاج کیش** کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل **تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲**